

شهادی دانشگاه و دانشگاهی برگ‌های زرین دانشگاه‌ها در دفاع مقدس هستند. برگزیدگانی که از سنگر علم و دانش در جبهه‌های نبرد حق علیه باطل، از کِیان دانشگاه دفاع کردند.

گرامیداشت دفاع مقدس بهانه‌ای برای نگاه دوباره به جنبش‌هایی و ابتراگرگی جوانان برومند این سرزمین است که در روزهایی که دشمن کِیان مهین را نشانه گرفته بود، از همه چیز خود و از همه مهم‌تر از جان خود گذشتند تا آیندگان بتوانند در امن و آرام زندگی بگذرانند.

در زمانی که قبولی در دانشگاه و نشستن سر کلاس دانشگاه‌های تراز اول کشور آرزوی هر جوانی بود حدود ۴ هزار جوان، دانشگاهی که به سختی در بهترین رشته‌های آن قبول شده بودند را رها کردند و به جبهه‌های نبرد حق علیه باطل شتافتند. به تازگی پرتال جامع شهادی دانشجو تحت نظارت وزارت علوم، تحقیقات و فناوری راه‌اندازی شده است و تصویری جامع از شهادی دانشجو را ارائه کرده است. در این پرتال رشته‌های تحصیلی دانشجویان شهید، محل شهادت و دانشگاه محل تحصیل این ایثارگران مشخص شده است. البته همانند هر کار توبنی کاستی‌ها و مشکلاتی هم دارد که به نظر می‌رسد نیازمند رفع باشد. به طور نمونه در برخی از آمارها محل تحصیل، یا رشته تحصیلی یا مقطع تحصیلی به طور مشخص اعلام نشده است. در این گزارش به بررسی آمار شهادی دانشجو ویژه دفاع مقدس پرداخته‌ایم. از میان شهادی دانشجو که اطلاعات آن در «پرتال جامع شهادی دانشجو» منتشر شده است که تعداد ۳ هزار و ۹۷ نفر از دانشجویان در جمع شهادی دفاع مقدس حضور دارند.

از میان ۳ هزار و ۹۷ نفر شهادی دانشجوی دفاع مقدس ۵ دانشجو خانم هستند که در بمباران هوایی به شهادت رسیدند و یک دانشجوی خانم در حین امدادرسانی به مجروحین به فیض شهادت رسیده است. این بانوان شهید در کارشناسی پرستاری،

کارشناسی ادبیات عرب دانشگاه اصفهان، کاردانی تربیت بدنی مرکز تربیت معلم نسیمیه، پزشکی دانشگاه علوم پزشکی همدان، کارشناسی زبان فرانسه تربیت معلم تهران و کارشناسی ریاضی دانشگاه جندی‌شاپور اهواز (شهید چمران اهواز) دانشجو بودند.
همچنین در میان دانشجویان شهید رتبه‌های برتر کنکور هم حضور داشتند. «حسن حاجی بابا» رتبه ۴ پزشکی دانشگاه تهران، «حسن زولایی» رتبه ۱ کنکور سراسری ۱۳۵۵ و دانشجوی شیمی دانشگاه صنعتی شریف، «محمود شهبازی دستجردی»، رتبه ۱۷ کنکور سراسری ۱۳۵۶ و دانشجوی مهندسی صنایع دانشگاه تهران، «احمدرضا احدی» رتبه ۱ کنکور سراسری ۱۳۶۴ دانشجوی پزشکی دانشگاه

علوم پزشکی شهید بهشتی، «محمدحسین اوحدی» رتبه ۳ کنکور سراسری دانشجوی مهندسی ساختمان دانشگاه تهران و «مهران بلورچی» رتبه ۵ کنکور سراسری ۱۳۶۳ دانشجوی مهندسی الکترونیک دانشگاه تهران، شهادی نمونه این دریای بیکران هستند.

همچنین از میان حدود ۴ هزار دانشجو، تعداد ۹۴ نفر با وجود سنی میان ۲۰ تا ۲۷ سال فرماندهی گردان، دسته و لشکر را برعهده داشتند. از میان شهادی دانشجوی دفاع مقدس که فرمانده بوده‌اند و در رشته‌های مختلف تحصیل می‌کرده‌اند، ۱۱ نفر از آنها در مقطع دکتری و عمده آنها در مقطع کارشناسی دانشجو بوده‌اند. نمونه‌هایی از این دانشجویان فرمانده شهید می‌توان به «احمد آبانی آرائی» دانشجوی کارشناسی زمین‌شناسی دانشگاه کرمان فرمانده گروهان یا ۲۳ سال سن، «احمد آتش‌دست» دانشجوی پزشکی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان فرمانده پافنده دشت فکه یا ۲۲ سال سن، «منصور آخرت دوست» دانشجوی کارشناسی زیست شناسی دانشگاه ارومیه فرمانده گردان نارالله یا ۲۴ سال سن، «مسعود آخوندی» دانشجوی مهندسی مکانیک دانشگاه صنعتی اصفهان فرمانده گردان یا ۲۳ سال سن، «مصطفی آزادگان» دانشجوی مهندسی شیمی پلیمر دانشگاه صنعتی امیرکبیر فرمانده دسته و گروهان یا ۲۰ سال سن اشاره کرد.

همچنین از میان این دانشجویان شهید می‌توان به دو دانشجوی هنرمند نیزاشاره کرد. «امیرالفضل سپهری» دانشجوی پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی مسئول دسته گردان ۱۵۴ که در عملیات والفجر پنج به شهادت رسید، عاشقی شاعر مسلک بود.

«آیت‌الله سیفی» نیز دانشجوی فیزیک هسته‌ای دانشگاه شهید بهشتی بود که در ۲۹ سالگی در شلمچه به شهادت رسید. این دانشجو در طول تحصیل در دانشگاه همواره دانشجوی ممتاز بود و دستی در هنر داشت. شهید آیت سیفی در ۲۶ دی

ماه سال ۱۳۶۵ در عملیات کربلای ۵ و در جزیره بوارین و حین فیلمبرداری مستند ۳۵ میلی متری «کربلای پنج» به فیض ربیع شهادت نائل آمد و این فیلم مستند در ششمین جشنواره فیلم فجر عنوان بهترین مستند و لوح زرین این جشنواره را از آن خود کرد.
۲۲ نفر این دانشجویان شهید مشغول به تحصیل در دانشگاه‌های خارج از کشور بودند که شوق دفاع از میهن و کِیان کشور آنان را بر آن داشت که به کشور بازگردند و به فیض شهادت برسند. این دانشجویان در کشورهای آلمان، انگلستان، آمریکا، ژاپن و ایتالیا و کانادا و در رشته‌هایی از جمله مهندسی تأسیسات، مهندسی مخابرات، زیست شناسی، مهندسی سیستم آنالیز، زبان

انگلیسی،

مهندسی مکانیک، مهندسی صنایع، مهندسی الکترونیک، پزشکی، مهندسی پتروشیمی، دندانپزشکی، جامعه‌شناسی، مهندسی کشاورزی

تحصیل می‌کرده‌اند.

اما سهم دانشگاه‌های کشور از جمع تقریباً ۴ هزار دانشجوی شهید بسیار متفاوت است. در دهه ۶۰، نظام آموزش عالی به تازگی در حال شکل گرفتن بود و دانشگاه‌های بزرگ، دانشسرای معلمی و آموزشکده‌ها سهم مهمی در نظام آموزش عالی داشتند. دانشگاه آزاد اسلامی در اوایل شکل گیری بود و از همین رو تنوع دانشگاه‌های محل تحصیل این شهادی گرانقدر مبین همین موضوع است.



شهادی دانشجوی دفاع مقدس در قاب آمار

از جمع ۳ هزار و ۹۷ نفر شهادی دانشجو تعداد ۷۵ نفر در واحدهای مختلف دانشگاه آزاد اسلامی تحصیل می‌کردند. ۷۸۰ نفر از میان این شهادی گرانقدر دانشجوی دانشسراها و مراکز تربیت معلم بودند. از میان این جمع ۱۲۲ شهید بزرگوار نیز دانشجوی مراکز فنی، دانشکده‌های فنی و آموزشکده‌های فنی و ۲۶ نفر مدرسه‌های عالی بودند.

بیشترین سهم دانشجوی شهید از آن دانشگاه تهران یا ۱۹۷ شهید گرانقدر است. البته در این آمار دانشگاه علوم پزشکی تهران و دانشگاه تهران در مجموع در نظر گرفته شده‌اند.

دانشگاه تبریز با ۱۱۶ شهید، دانشگاه اصفهان با ۱۱۴ شهید، دانشگاه صنعتی اصفهان با ۹۷ شهید، دانشگاه شیراز با ۹۷ شهید، دانشگاه صنعتی شریف

دانشگاه Daneshgah@Kayhan.ir

با ۹۰ شهید، دانشگاه شهید بهشتی با ۷۷ شهید، دانشگاه علم و صنعت ایران با ۶۶ شهید، دانشگاه فردوسی مشهد با ۳۷ شهید و دانشگاه صنعت نفت با ۲۱ شهید از مراکز آموزش عالی هستند که بیشترین برگ‌های زرین شهدا را به خود اختصاص داده‌اند. از جمع شهادی دانشجو، دانشگاه‌های علوم پزشکی ۱۴۴ شهید تقدیم دفاع مقدس کرده‌اند که این دانشجویان در دانشگاه‌های علوم پزشکی مشهد، تهران، ایران، اهواز، شهید بهشتی، اصفهان، تبریز، شیراز، همدان، فسا، بابل، گیلان، ارومیه، کرمان تحصیل کرده‌اند.

در میان مقاطع تحصیلی وضعیت مقطع تحصیلی

گروه علوم پزشکی، ۳۷۷ نفر در گروه فنی و مهندسی، ۴۴۰ نفر در گروه علوم انسانی، ۲۳۳ نفر در گروه علوم پایه، ۳۴ نفر در گروه‌های تربیت بدنی، زبان و هنر، ۱۶۱ نفر در گروه معلمی، ۷ نفر در گروه نظامی تحصیل می‌کرده‌اند.

۶۲۲ نفر نیز در مقطع کاردانی مشغول به تحصیل بوده‌اند. ۱۴ نفر در گروه نامشخص، ۱۱ نفر در گروه علوم پزشکی، ۱۲۰ نفر در گروه فنی و مهندسی، ۸۸ نفر در گروه علوم انسانی، ۱۸ نفر در گروه علوم پایه، ۹ نفر در گروه‌های تربیت بدنی، زبان و هنر، ۳۳۲ نفر در گروه معلمی، ۲ نفر در گروه نظامی تحصیل می‌کرده‌اند.



بررسی وضعیت رشته‌های تحصیلی هم نشان می‌دهد که تنوع رشته‌ای در آن دهه بسیار متفاوت با امروز بوده و در بسیاری موارد رشته‌هایی که اکنون وجود ندارند به عنوان رشته تحصیلی در دانشگاه وجود داشته است. با این وجود ۱۷۴ شهید بزرگوار در رشته «آموزش ابتدایی» و ۷۰ شهید در رشته‌های «پیبری» تحصیل می‌کرده‌اند که نشان از اهمیت شغل معلمی در آن دوره داشته است.

۹۳۴ نفر در رشته‌های فنی و مهندسی، ۶۰۹ نفر در رشته‌های علوم انسانی، ۷۲۳ نفر در رشته‌های علوم پزشکی، ۲۷۲ نفر در رشته‌های علوم پایه، ۷۰۳ نفر در رشته‌های هنر، نظامی، معلمی، تربیت بدنی دانشجو بوده‌اند رشته‌های ۸۲ نفر نیز نامشخص است. در پایان گفتنی است، شهادی دفاع مقدس همچون برگ‌های زرینی بر تارک دانشگاه‌ها می‌درخشند و با وجود گذشت چهل سال از دفاع مقدس همچنان نوری در خشان فضای علم و دانش کشور را منور کرده‌اند. این نوشتار بخش کوچکی از دریای بیکران دفاع مقدس بود.

استقبال متفاوت دانشگاهیان از اربعین حسینی

همزمان با اربعین حسینی سال ۱۳۹۹ شمسی، و با توجه به همه‌گیری بیماری کووید ۱۹ و عدم امکان حضور در راهپیمایی جهانی اربعین، دانشجویان و دانشگاهیان نیز با برنامه‌هایی متفاوت به استقبال بزرگداشت ایام پایانی ماه صفر رفته‌اند.

یکی از این برنامه‌ها، پوشش رسانه‌ای دانشگاهیان در فراق اجتماع اربعین است که برای نخستین بار برگزار می‌گردد. دانشجویان و اساتید دانشگاه‌ها می‌توانند با امضای عهده‌نامه مجازی و ثبت‌نام در این پوشش، آثار خود را پیرامون خاطرات پیاده‌روی اربعین سال‌های گذشته در قالب‌های فیلم، عکس نوشت، شعر، صوت و خاطره‌نگاری به دبیرخانه رویداد ارسال کنند.

علاقه‌مندان جهت بهره‌مندی از ده‌ها جایزه نفیس و اطلاع از بخش‌های چهارگانه و رشته‌های (رویداد هنری ادبی رسانه‌ای) می‌توانند به سایت **arbaeenplus.com** مراجعه نمایند. لازم به ذکر است، دانشجویان علاقه مند همچنین می‌توانند آثار خود را ۱۷ مهر ماه به حسینی‌های مجازی دانشگاه ارسال کنند.

از سوی دیگر، اولین همایش ملی اربعین پژوهی نیز از سوی معاونت فرهنگی دانشگاه پیام نور در حال برگزاری است.

بر این اساس، معاون فرهنگی اجتماعی و دانشجویی دانشگاه پیام نور در نشست اولین همایش ملی «اربعین پژوهی» گفت: این همایش با هدف ترویج میراث معنوی اربعین و فرهنگ ایثار و شهادت به همت دانشگاه پیام نور و پشتیبانی علمی و دانشگاه‌های مختلف کشور همچون دانشگاه فرهنگیان و نهادهای مرتبط مانند بعثه مقام معظم رهبری و ستاد ملی اربعین کشور در حال برگزاری است.

وی افزود: این همایش بدلیل شرایط موجود و رعایت اصول بهداشتی برای جلوگیری از بیماری کووید ۱۹ به صورت مجازی و آنلاین در حال برگزاری است. معاون فرهنگی و دانشجویی دانشگاه پیام نور افزود: این همایش در محورهای؛ ابعاد تربیتی و شناختی اربعین، ابعاد فرهنگی و رسانه‌ای، ابعاد جامعه شناختی، اربعین و جبهه مقاومت اسلامی، اربعین، اقتصاد و امنیت و دیگر محورهای آزاد برگزار می‌شود. از تعداد ۹۰ مقاله ارسال‌ه به دبیرخانه همایش، ۶۰ مقاله پذیرفته شده که به صورت مجموعه مقالات چاپ خواهد شد.

وی ادامه داد: ابعاد تربیتی و شناختی اربعین قابل ارزیابی هستند و می‌توانند به تعمیق شناخت ما از انگیزه‌های آنها کمک کنند.

نامبرده افزود: ما باید مسئله اربعین را از بُعد حساسی، عاطفی و احساسی آن بررسی کنیم، اما باید در دانشگاه‌ها بُعد پژوهشگری را به آن اضافه کنیم. وی تصریح کرد: امیدواریم گام‌های بعدی ما در راستای «اربعین پژوهی» موفق‌تر باشد و دانشگاه‌های مختلف از ابعاد تخصصی اربعین ورود کنند و نتایج آنها تقویت ساختار فرهنگی اجتماعی و سیاسی کشور باشد تا بتوانیم در حوزه بین‌الملل نیز برای کشور یک کارکرد خوبی داشته باشیم.



و بعد از مدتی، او را رها کند. دانشگاه هویت بخش با دانشجو و دانش آموخته‌اش ادامه می‌یابد و هیچگاه بدون آنها نه معنا می‌دهد و نه تصویر می‌سازد.

نهم) ارتباط با مردم و جامعه
دانشگاهی که همیشه به مهرهای خود ختم می‌شود و مردم و جامعه در آن غایب هستند، مانند پرورش اکواربومی ماهی‌های زینتی عمل می‌کند که با کوچکترین تغییر دما و فضای، بوی مرگ و ناامانی حس می‌شود. بدانیام که جامعه و مسائل آن، نه تنها جهت و اولویت برای حرکت و مسیر دانشگاه تعیین و تعریف می‌کنند، بلکه آن را دغدغه‌مند و زنده‌بارمی‌آورد. دانشگاه‌هایی که بیرون از مسائل جامعه خود، مشغول گذران زندگی هستند، در حیات نباتی بسر می‌برند و بیشتر از اینکه سرمایه زحمتی باشند، بی‌نهایت زود فراموش می‌شوند. نکته مهم اینکه این‌گونه محیط‌ها برای خود هویتی جمع می‌کنند اما بیشتر از آنکه این هویت، شناسنامه معتبر شود، بدنامی «از ما بهتران» را یدک می‌کشد. نوعی اشراف‌افزایی دانشگاهی که زبان مفاهیم با دردهای جامعه را بلد نیست و در محیطی سر بسته مشغول لهو و لعب علمی‌اند. در یک جمع‌بندی کلی می‌توان گفت، ارکانی که گفته شد، بخش مهمی از مولفه‌هایی است که وقتی با هم کار می‌کنند، فرآیند هویت بخشی و تعلق از دانشگاه به فرد را جریان می‌بخشند.

دانشگاهی که در معماری آن، هیچ مولفه و نماد تعالی بخش دیده نمی‌شود و شاید یک ساختمان سگونی، اداری یا تجاری بوده که فقط کاربری آن عوض شده اما در نما و نماد آن دستی برده نشده و می‌تواند خیلی زود به کاربری قبلی برگردد، نه هویت دارد و نه هویت بخش است.

دانشگاهی که استاد آن مراتب ترقی و تعالی را نه دراشتراك مسئله‌ها و دردهای جامعه و هم افزایی در مسیر پیدا کردن راهکار و اجرایی کردن آن، بلکه در پرکردن سیاهه فرم‌های ارتقا می‌بیند و اصلاً «اثر و تاثیر و مخاطب» را در معادلات ترفیع و ارتقاء خود فراموش کرده، خیلی زود به عقیم و بی‌دنباله می‌شود. و شاید خیلی زود از مرتبه دردآشنایی و تلاش برای سامان دردها به دردآفرینی تبدیل شده و خود بخشی از مسائل شوند، خلاصه آنکه، دانشگاه هویت بخش، نهادی است پویا، ممتاز، پر از نماد، با هنجارهایی تعریف شده و متعهدانه که تمام عناصرش نقشی زنده را بازیگب دارند و برای هر مولفه شخصیتی‌اش قیمت و بهایی است که فقط با پرداختن آن می‌توان آن را خرید و مال خود کرد.چانه زنی و تخفیف فقط در صورتی در این بازار ارائه می‌شود که به ارمان‌ها خسته و تعدی وارد نشود ولی هرگز چیزی نسیم داده نمی‌شود.

این فقرات، لوازمی است مقدماتی که می‌تواند حیات دهد، و هویت ببخشد و جامعه را به داشتن دانشگاه متفاخر کند، وگرنه، عدد دانشگاه و مافیهای آن، نشانگر گمراه‌کننده‌ای است که بلایا و ابتلاتانش ویران کننده و زوال بخش یک جامعه و شاید یک تمدن دیرپای باشد. به نظر می‌رسد انقلاب اسلامی باید به دنبال امضای دانشگاهی خود باشد و برای حفظ آن از گزند و جعل و تقلب و تخلف، اهتمام نماید.

دکتر مصباح‌الهدی باقری
عضو هیئت علمی دانشگاه

جلسات رسمی (دفاع از پایان‌نامه و رساله) و نیمه رسمی (دوره‌های آزاد یا همایش‌ها) و... از عناصر هویت‌ساز هستند. در واقع، تعریف شکل تعامل و برقراری ارتباط موجودیت‌های مختلف در دانشگاه، در موقعیت‌های متفاوت، اگر امضای خاص و مشخص پیدا کرد، بخشی از جریان هویت بخشی دانشگاه به ظهور رسیده است. هر چقدر این عناصر، متمایزتر و شاخص‌تر باشد، در ساخت هویت موثرتر است.

ششم) تمایزهای وابسته و اقماری

اینکه دانشگاه به دانشگاه ختم نشود و بتواند در موجودیت‌ها و لایه‌های دیگر ادامه پیدا کند موضوع بسیار با اهمیتی است. دانشگاهی که از چند اتاق و کلاس تشکیل شده، تقریباً بی هویت، عقیم و حتی مرده است و عنوان دانشگاه، عنوان اشتباهی است که به آن داده‌اند. اما دانشگاهی که ادامه دارد، و در هر مرحله از حیات دانشجوین و دانش‌آموختگان با طراحی و ایده‌پردازی‌های مناسب، به نهادهاسازی‌های مأموریتی دست زده است، این دانشگاه خود را موجودیتی زنده دانسته، لذا زندگی و هویت می‌بخشد. پژوهشگاه، اندیشکده، پارک و مرکز رشد از نهادهای معمول این ادامه حیات هستند و البته هزاران مسیر تعاملی و ارتباطی برای حفظ و نگهداری انسان پرورش یافته را می‌توان به آن گره زد.

هفتم) محصولات علمی مرجع

دانشگاه آن‌گاه که به محصولات ممتاز که یک شاخصه آن می‌تواند مسئله محوری باشد، دست یابد، می‌تواند برای خود و اهالی آن هویت ایجاد کند. دانشگاهی که از جهت طرح‌های، هیچ امتیاز و تمایزی را به ظهور نمی‌رساند، به راحتی محو می‌شود و می‌هویت. اما دانشگاهی که برای خود مأموریتی متمایز (و در بهترین حالت، منحصر به فرد) تعریف کرده، و برای آن، چشم‌اندازی در تناوب‌های زمانی طراحی نموده، آن‌گاه می‌تواند محصولات علمی موثری را طرح‌ریزی کند و تدارک ببیند. مهم‌ترین خروجی یک دانشگاه، یک دانش آموخته ممتاز است که به زینت دین و ادب و حیا و آراستش و درمندن دره‌های جامعه است. برای خود در درون جامعه بدنبال هویت است و نمی‌خواهد جامعه را صرف و هزینه خود و هویت خود کند.

هشتم) دانشجو در فرآیند ساخت

در دانشگاه هویت بخش، دانشجو فقط یک خدمت گیرنده صرف نیست. فقط نمی‌آید در کلاسی شرکت کند، آزمایشگاهی را تجربه کند، مطالعه و تحقیقی داشته باشد، امتحانی بدهد و مدرکی بگیرد و برود. دانشجو یک رکن محوری است و در فرآیند ساخت، حضور فکری و مشارکت عملی دارد. لذا طراحی مسیرهایی در فرآیند آموزش، و پژوهشی و تربیتی و تدارک زمینه‌نقش‌آزنده فعال (و حتی فوق فعال) دانشجویان، ظرفیت‌های هویت بخشی را بطور مثبت و فراگیری تحت تاثیر قرار می‌دهد. اینکه دانشجو حداقل در دانشگاه هویت بخش تمام نیازهای خود را به تنهایی و بدون کمک فاعل عوض کرده و نقش دانش آموخته را به خود می‌گیرد، یک فرض معتدیه محسوب می‌شود. دانشگاهی که در آن دانشجو قانع به معنای منفی) و شاید متوقع به حساب می‌آید

که دانشگاه باید هر طور شده با فاصله از او حرکت کند و متغیر و متغیبات، (مذهبی، خانوادگی، سازمانی، می‌دهند. نهادهای ظاهری دانشگاه (مثل معمار، محوطه، سردر، گواهی‌نامه تحصیلی، گردهمایی‌های متنوع و متفاوت، مذهبی، خانوادگی، سازمانی،



دانشگاه چشم‌گیرتر می‌نماید. بنابراین رئیس یک دانشگاه هویت‌بخش، غیر از مدیریت آن یابستی چوچمناد و نمای از مأموریت دانشگاه باشد؛ چه در سخن و خطابه، چه در تصمیم و امریه سازمانی و چه در عمل و حرکت فردی.

دانشگاهی که جایگاه رئیس در آن، در یک پست سازمانی خلاصه می‌شود و با تعیین شرایط احراز متعارف، او را ارزیابی و انتخاب می‌کنند، باید فهم کند که خصیصه «اهبری»، اگر جزء مقدم انتخاب رئیس دانشگاه نباشد حداقل جزء ضروری و اساسی آن است که نمی‌توان با متر و شابلون معمولی آن را تعیین و تقویم کرد. اگر این راهبری از شخصیت رئیس دانشگاه حذف شود، مدیریت متعارف در بهترین شرایط، دانشگاه را کارآمد می‌کند نه شایسته و سرآمد.

پس مهم اینکه، انتخاب رئیس در دانشگاه هویت بخش بیشتر جوششی است تا کوششی. هرگاه از این مهم فاصله بگیریم بخش جدی از جریان هویت بخشی دانشگاه بی‌صاحب و متولی می‌شود.

پنجم) سازمان فرهنگی هویت‌بخش

یکی از منابع هویت ساز، نهادهای و عناصری هستند که اتمسفر و سازمان فرهنگی یک مجموعه را شکل می‌دهند. نهادهای ظاهری دانشگاه (مثل معمار، محوطه، سردر، گواهی‌نامه تحصیلی، گردهمایی‌های متنوع و متفاوت، مذهبی، خانوادگی، سازمانی،

نیز به نظامات شایسته محور دارد.نظاماتی که در آن، موجودیت‌های مختلف دانشگاه اعم از استاد، دانشجو، مدیر و کارمند به مثابه یک متربی زنده منحصر به فرد، حیات ارگانیک دارند.

(سوم) وجود اساتید یگانه و مرجع

حضور اساتیدی که در حول و جوش مرزهای دانش و مسئله‌های معاصر سیر می‌کنند و به اصطلاح صاحب کرسی هستند، نیز کمک شایانی به هویت‌بخشی می‌کند. در حقیقت زیر سایه این درختان بلند، تنفس کردن و در عین حال تأمل در سایه‌عظمت و والایی اندیشه آنها، انسان را به رشدی متمایز و خاص نائل می‌دارد. این اساتید هر کدام در جایگاه یک نقطه مطلوب هستند. به رسیدن به آنها یک مسیر سعادت پرشمرده می‌شود.

از این جهت حضور آنها،یک مسیر تجربه شده موفق و امتحان پس داده را پیش روی دانشجو می‌گذارد و او را از وهم و خیال به واقعیت و حقیقت «چگونه انسان با مأموریت و مایهت این نهاد طراحی می‌شود. اینکه همه نظام‌ها در وابستگی مستقیم و محض یک نظام استاندارد و متعارف تعریف شوند، دانشگاه را تبدیل به یک ماشین می‌کنند که مأموریتش رساندن افراد از یک نقطه به یک نقطه دیگر است و قرار نیست طی مسیر اتفاق خاصی بیفتد. مأموریت‌های یکسان، دانشگاه را از درون می‌خشکاند و می‌پوساند اما مأموریت‌های متمایز،

چهارم) رئیس‌راهبر دانشگاه

هر قدر رئیس دانشگاه بتواند در کنار وظیفه مدیریتی به نقش هدایت، راهبری و تولی امر اهتمام نماید،

بخشی را هم در کنار آن می‌دیدند. مع‌الوصف بسیاری از این مراکز، ذیل ترتیبات و تنظیمات مراکز بالادستی در حوزه آموزش عالی و نبود نیروی فکری در درون خودشان و تغییر شرایط و اقتضانات زمانی، خیلی زود از موابط نظام جدید مهربا به حفظ ارزش‌های سنتی (اعم از دینی و ملی و بومی) بود. به همین خاطر، با به حرکت افتادن چرخ توسعه رضانحابی‌سواد و کمرنگی و بعضاً زوال بسیاری از ارزش‌ها و هنجارهای دینی، دلسوزان و عقابیت اندیشان برای برون رفت از این فضا، به فکر افتادند و به طرح و تدابیری رسیدند. از جمله اینها، تأسیس مدرسی بود که در آن سعی می‌شد رنگ و بوی تعلیمات و هنجارهای اسلامی (با همه فشارها و مضیقه‌های حکومت طاغوت) در فضا و برنامه‌های آموزشی وارد شود.

تأسیس مدرسه البرز، علوی، نیکان، کمال، روزبه و رفاه در طول سالیان قبل از انقلاب پاسخی به این نیاز بود. این تلاش تا جایی پیش رفت که دانش آموختگان این مدارس دارای شکل و شمایل منحصر به فرد چه از جهت ظاهری و چه از جهت خصیصه‌های اخلاقی شدند. نهایتاً این اهتمام عالی، کار را به جانی رساند که این هویت ساخته شده، حتی در دوره‌های آموزش عالی و دانشگاه‌ها چه در داخل ایران و چه در خارج _ محیط و مولفه‌های شخصیتی شان کمتر تناسبی با ارزش‌های الهی و هنجارهای انسانی داشت- موجبات حرکت بر مسیر روشن و متفن مبارزه با ظلم و ظالم و حمایت از مظلوم و عدالت پیشگی می‌گشت و بسیاری از سربازان امام و انقلاب از همین گروه فکری و هویتی باز متولد شدند.

البته قابل انکار نیست که برخی شرایط و برخی عقاید، زمینه‌های افراط و تفریط اعتقادی را در فضای فرهنگی و تربیتی این مدارس ایجاد می‌کرد که روی برخی افاشار در این مدارس موثر واقع می‌شد و موجبات تزلزل و تذبذب اعتقادی در آینده فرد را فراهم می‌آورد. با این همه، این مدارس، همواره بعنوان مراکزی هویت بخش شناخته می‌شدند که خانواده‌ها تلاش بسیاری می‌کردند که فرزندانشان را وارد به اینها کنند تا با خیالی نسبتاً آسوده، تولی تربیتی بچه‌های‌شان را واگذار کنند. با پیروزی انقلاب اسلامی، و برداشته شدن موانع، این انتظار وجود داشت، جریان این هویت بخشی در سطح آموزش‌های مقدماتی (مدارس)، عموماً تر و گسترده‌تر شود و حتی به مراکز آموزش عالی هم سرایت کند و دانشگاه‌هایی با این سبک و سیاق طراحی و تأسیس گردند. از آنجا که این دغدغه‌ها از قبل از پیروزی انقلاب در برخی اذهان و افکار و مباحثات بزرگان و متفکران و رعسای قوم جاری بود، بعد از پیروزی تلاش‌هایی مستقیم (توسط شخص خود بزرگان) یا غیرمستقیم (با اشراف بزرگان و بواسطه دیگران) انجام گردید.

تأسیس موسسه آموزشی عالی امام خمینی (آیتا... مصباح)، دانشگاه امام صادق (ع)، (آیتا... مهدوی کنی، مدرسه عالی شهید مطهری (آیتا... امامی کاشانی، مدارس و دانشگاه مفید (آیتا... موسوی اردبیلی، مدارس و دانشگاه علوم اسلامی رضوی (آیتا... واعظ طبسی) و بعدها دانشگاه عدالت (آیتا... هاشمی شاهرودی) از این دست بود.

همچنین برخی دانشگاه‌های سازمانی خاص مانند دانشگاه امام حسین(ع) و دانشگاه علوم قضایی علاوه‌بر مأموریت تأمین نیرو، مأموریت هویت